

تحلیل تجربی تورم

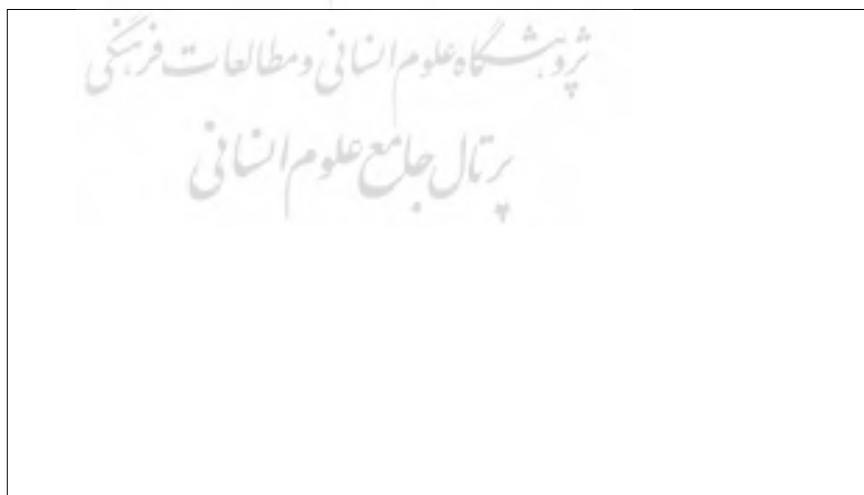
وضعیت تورم در ایران و جهان

از اوایل دهه ۹۰ میلادی، برخی از کشورهای صنعتی، با رهاکردن لنگر نرخ ارز اسمی و توسل به اهدافی از قبیل تعیین شده برای تورم، چارچوب سیاست‌های پولی خود را با هدف افزایش اعتبار (Credibility) و مقبولیت سیاست‌های پولی مورد بازنگری قرار دادند و نتیجه حاصل در اواسط دهه ۹۰ به شکل کاهش پایدار تورم در این کشورها نمایان شد و موجب ترغیب بسیاری دیگر از کشورهای صنعتی و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و نوظهور در انتخاب چارچوب‌های پولی قاعده‌مند و هدفمند گردید.

تمرکز بر هدف کنترل تورم و دستیابی به ثبات قیمتی، از اواسط دهه ۹۰ به بعد شکل جدیدی از مکانیزم پاسخ‌دهی (Accountability) و شفافیت (Transparency) را برای سیستم‌های پولی ایجاد نمود که به عنوان یک قاعده و اصل اساسی در منشور بانک‌های مرکزی نمود یافته است. انتخاب هدف ثبات قیمتی و کنترل تورم در سطوح پایین و یک‌رقمی، از اواسط دهه ۹۰ برای اغلب کشورها، تمایل جهانی برای مبارزه با این پدیده نامطلوب را نشان می‌دهد. در پی این همگرایی جهانی، نرخ تورم در سطح منطقه‌ای و در طبقه‌بندی‌های جهانی تمایل به کاهش داشته است.

تجربه کشورهای توسعه‌یافته در مهار تورم، راهنمای بسیار خوبی برای کشورهای در حال توسعه بوده و درس بزرگی به سیاست‌گذاران آنها داده است. تجربه نشان می‌دهد که کاهش پایدار تورم، صرفاً با ابزارهای طرف تقاضا مقدور نیست. هیچ کشوری نمی‌تواند تورم را به سطوح پایین راهبری نماید، مگر این که به طور موثر و کارا از ابزارهایی جهت بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید (Total Factor Productivity) بهره‌مند گردد. در این میان، تحقیق و توسعه، بهبود تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، آموزش نیروی انسانی و دستیابی به فناوری برتر، از جمله‌اموری می‌باشند که کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه با درک مناسب آنها، بستر لازم جهت دستیابی به رشد پایدار غیرتورمی را فراهم آورده‌اند و با حمایت سیاست‌های پولی و ارزی انعطاف‌پذیر، این فرایند را قوت بخشیده‌اند. بررسی ویژگی‌های تورم در ایران و مقایسه آن با کشورهای منطقه، در حال توسعه و توسعه‌یافته نشان می‌دهد که گرچه کاهش تورم جهانی آثار خود را به شکل کاهش تورم وارداتی بر اقتصاد ایران نمایان ساخته، لیکن تورم در ایران از نظر سطح و بی‌ثباتی، فاصله بسیاری بامتوسط تورم جهانی و حتی کشورهای منطقه دارد. نمودار شماره یک روند نرخ تورم ایران را در مقایسه با

نمودار شماره یک - روند نرخ تورم در ایران و جهان



انتخاب هدف ثبات قیمتی و کنترل تورم در سطوح پایین و یک‌رقمی از اواسط دهه ۹۰، نشان‌دهنده تمایل جهانی برای مبارزه با پدیده تورم است.

هیچ کشوری نمی‌تواند تورم را به سطوح پایین راهبری نماید، مگر این که به طور موثر و کارا از ابزارهایی جهت بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید بهره‌مند گردد.

تثبیت اقتصادی استفاده شده، نمود بیشتری یافته است. به طور مشخص، طی دوره ۷۲-۱۳۶۸ (برنامه اول) و دوره ۸۳-۱۳۷۹ (برنامه سوم) که رژیم‌های ارزی و پولی شناورتری مورد استفاده قرار گرفته، میانگین نرخ تورم نسبت به دوره‌های قبلی کاهش داشته است. در برنامه سوم این کاهش محسوس‌تر و معنی‌دارتر بوده است.

نمودار شماره دو، روند میانگین نرخ تورم و انحراف معیار آن را طی ادوار مختلف نشان می‌دهد. نمودار شماره سه نیز پراکنش میانگین و انحراف معیار تورم را بررسی می‌نماید که ارتباط مثبت میان آنها بارز می‌باشد. لازم به ذکر است که اجرای سیاست‌های کنترل تورم، انحراف معیار آن را متناسب با میانگین آن کاهش داده و این می‌تواند موجب افزایش تورش تثبیت گردد^(۱). این نسبت در دوره آخر برنامه سوم که با کاهش شدید میانگین و انحراف معیار تورم همراه بوده، عملکرد رشد اقتصادی را بهبود بخشیده است.

متوسط نرخ تورم در کشورهای در حال توسعه و کل جهان نمایش می‌دهد. کاهش سریع تورم در کشورهای در حال توسعه، از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و روند کاهشی متوسط نرخ تورم در جهان، همراه با ثبات نسبی این نرخ در کشورهای صنعتی در سطح زیر پنج درصد، شاخص‌های ارزیابی اعتبار سیاستگذار پولی در ایجاد ثبات قیمت‌ها را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داده و استمرار نرخ‌های تورم دورقمی کشور را در مقایسه‌های بین‌المللی غیرقابل قبول‌تر نموده است.

مشخصات آماری تورم در ایران

جدول شماره یک، برخی از مشخصه‌های آماری تورم در دوره‌های مختلف را برای اقتصاد ایران نشان می‌دهد. نکته قابل توجه این که با افزایش متوسط نرخ تورم طی ادوار مورد بررسی، انحراف معیار آن نیز افزایش می‌یابد. این ویژگی، به‌ویژه در ادواری که از رژیم‌های ثابت ارزی و سیاست‌های

جدول شماره یک

مشخصه‌های آماری تورم در دوره‌های زمانی (۱۳۸۳-۱۳۵۵)

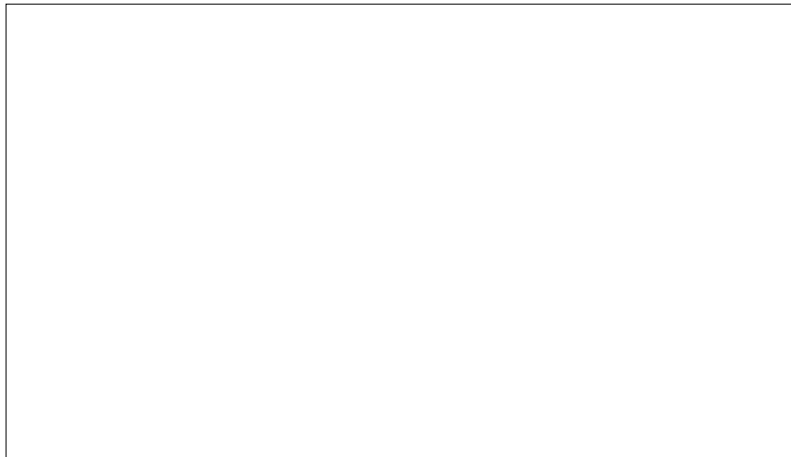
دوره زمانی	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
۱۳۵۵ - ۱۳۵۹	۱۶/۰	۱۳/۸	۲۴/۰	۹/۹	۶/۸
۱۳۶۰ - ۱۳۶۷	۱۹/۳	۲۱/۱	۲۸/۹	۶/۸	۸/۰
۱۳۶۸ - ۱۳۷۲	۱۸/۸	۲۰/۷	۲۴/۴	۸/۹	۶/۱
۱۳۷۳ - ۱۳۷۸	۲۷/۲	۲۱/۵	۴۹/۴	۱۷/۳	۱۲/۷
۱۳۷۹ - ۱۳۸۳	۱۴/۱	۱۵/۳	۱۵/۸	۱۱/۴	۲/۰
۱۳۵۵ - ۱۳۸۳	۱۹/۳	۱۷/۸	۴۹/۴	۶/۸	۸/۷

نمودار شماره دو - روند میانگین و انحراف معیار تورم

سیاستگذار پولی ابتدا می‌بایست شتاب تورم را مهار کند و آن را در یک سطح مشخص تثبیت نماید و سپس اقداماتی را در جهت کاهش سطح تورم انجام دهد.

پایدار بودن سطح تقاضای کل، بزرگ بودن اندازه دولت و اتکای فراوان آن به منابع بانکی، و عدم استقلال بانک مرکزی، از جمله علل اصلی پایداری تورم در ایران می‌باشند.

نمودار شماره سه - انحراف معیار تورم در مقابل میانگین



نتیجه سیاستی این میحث آن است که کاهش بی ثباتی تورم، مقدم بر کاهش سطح آن می باشد. به عبارت دیگر، سیاستگذار پولی ابتدا می بایست شتاب تورم را مهار کند و آن را در یک سطح مشخص تثبیت نماید و سپس اقداماتی را در جهت کاهش سطح تورم انجام دهد. باید توجه نمود که افت ناگهانی تورم می تواند به افزایش ناگهانی مجدد آن نیز منجر گردد و اگر اهداف تورمی معینی برای یک دوره مشخص در نظر گرفته نشوند و تعهدی برای آن وجود نداشته باشد، نه تنها بی ثباتی تورم کاهش نمی یابد، بلکه در اثر فشارهای بیرونی، امکان افزایش آن نیز وجود خواهد داشت.

بررسی پایداری تورم و دلایل آن در ایران

به منظور بررسی پایداری تورم در ایران، مقادیر ضریب خودهمبستگی تورم در مقاطع مختلف زمانی (دوران قبل از

جدول شماره دو

پایداری تورم بین دوره های طی ادوار مختلف

طول وقفه (فصل)	۱۳۵۴:۱-۵۹:۴	۱۳۶۰:۱-۶۷:۴	۱۳۶۸:۱-۷۲:۴	۱۳۷۳:۱-۷۸:۴	۱۳۷۹:۱-۸۳:۴	۱۳۵۴:۱-۸۳:۴
یک	۰/۸۴	۰/۹۲	۰/۸۳	۰/۹۴	۰/۸۱	۰/۹۴
دو	۰/۵۰	۰/۷۸	۰/۵۳	۰/۸۰	۰/۵۳	۰/۸۰
سه	۰/۱۱	۰/۶۱	۰/۱۹	۰/۶۰	۰/۲۱	۰/۶۰
چهار	—	۰/۴۱	—	۰/۳۸	—	۰/۴۰
پنج	—	۰/۲۳	—	۰/۱۷	—	۰/۲۰
شش	—	۰/۰۶	—	—	—	۰/۱۰

افزایش نقدینگی ناشی از عدم استقلال بانک مرکزی، بخش قابل ملاحظه ای از تورم در ایران را به یک پدیده پولی با روندی پایدار تبدیل نموده است.

دیگر، درآمدهای دولت، به‌ویژه درآمدهای نفتی را کاهش داد. این امر نهایتاً خود را در ارقام نجومی کسری بودجه دولت نمایان ساخت.

در دوره‌های مختلف، دولت جهت تامین کسری بودجه روش‌های متفاوتی را درپیش گرفته و بانک مرکزی نیز همواره برای پاسخگویی به تقاضای ایجادشده از سوی یک دولت بزرگ، مجبور شده است تا نقدینگی موردنیاز را تامین نماید. این افزایش نقدینگی که ناشی از عدم استقلال بانک مرکزی می‌باشد، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از تورم را در ایران به یک پدیده پولی با روندی پایدار تبدیل نموده است.

پ) پایین بودن درجه اعتبار بانک مرکزی: طی دو دهه اخیر، اقتصاد ایران نرخ‌های بالایی از تورم را تجربه نموده و به علت وجود شرایط تورمی، عامه مردم انتظارات تورمی بالایی داشته‌اند و قسمت عمده شکل‌دهی این انتظارات به صورت گذشته‌نگر و آینده‌نگر است.

عدم‌پابندی بانک مرکزی به اهداف از قبل تعیین‌شده تورم با در نظر گرفتن رشد اقتصادی، بیشترین صدمه را به اعتبار بانک مرکزی طی سال‌های گذشته وارد نموده است. اساساً اعتبار سیاست‌های پولی با مقایسه اهداف و عملکرد تورم اندازه‌گیری می‌شود. در شرایطی که انحراف معنی‌داری بین اهداف و عملکرد تورم وجود داشته و انحراف معیار تورم در سطح بالایی باشد، مقبولیت بانک مرکزی کاهش می‌یابد. تحت این شرایط، عواملان اقتصادی به‌جای در نظر گرفتن هدف تورم، انتظارات گذشته‌نگر خود را در تصمیمات مربوط به مصرف و سرمایه‌گذاری لحاظ می‌نمایند و این عامل بر پایداری تورم می‌افزاید.

برگرفته از کتاب تحلیل تجربی تورم و قاعده سیاستگذاری پولی در ایران / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی / ۱۳۸۵

زیرنویس

۱) Stabilization Bias در ادبیات نظری، همواره میان انحراف معیار تورم و انحراف معیار رشد اقتصادی، معاوضه‌ای برقرار است. در صورتی که بانک مرکزی به دنبال کاهش تورم باشد و سیاست‌های خود را بر کنترل تورم معطوف نماید، تورش رشد اقتصادی و یا تورش تثبیت به شکل افزایش انحراف معیار رشد اقتصادی را باید بپذیرد. برعکس، در صورتی که در کوتاه‌مدت سیاست‌های پولی رشدگرا اتخاذ شود، گرچه رشدی از این اقدام حاصل می‌شود، ولی تورش تورمی بیشتر می‌گردد. انتخاب بین این دو مورد حدی، تصمیم‌سیاستی ناظر بر هزینه‌های مبادله‌ای تورش تورم و رشد اقتصادی است. به نحوی که زیان بانک مرکزی را حداقل نماید.

کنترل‌های قیمتی است که مانع از تعدیل سریع قیمت‌های نسبی و منجر به طولانی‌تر شدن فرایند تعدیل شد. همچنین ارقام مندرج در جدول شماره دو نشان می‌دهند که پایداری تورم از سال ۱۳۷۹ به بعد، هم از نظر سطح و هم به لحاظ طول دوره، در مراتب پایین‌تری نسبت به دو برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی قرار گرفته است.

به‌طورکلی، وجود خودهمبستگی قابل‌ملاحظه میان تورم و مقادیر با وقفه آن، اشاره به این موضوع اثبات‌شده در مطالعات تجربی دارد که تا حدود زیادی تورم دوره جاری ناشی از عوامل تورم‌زای دوره‌های گذشته بوده و برای سیاستگذاری در دوره جاری، باید مقادیر آن را داده‌شده تلقی نمود. در این شرایط، بدیهی است که بخش قابل‌توجهی از اقدامات کنترلی تورم در دوره جاری نیز نتایج خود را در دوره‌های آتی برجای خواهد گذارست.

در بیان علل اصلی پایداری تورم در اقتصاد ایران، می‌توان به مواردی همچون پایداری بودن سطح تقاضای کل، بزرگ‌بودن اندازه دولت و اتکای فراوان آن به منابع بانکی، عدم استقلال بانک مرکزی و پایین بودن درجه اعتبار سیاست‌های پولی کشور، وجود انتظارات تورمی شدید که عمدتاً به صورت گذشته‌نگر شکل می‌گیرد و چسبیده بودن دستمزدهای اسمی اشاره نمود. در ادامه شرح مختصری از هر یک از این عوامل ارائه می‌گردد.

الف) بالابودن سطح تقاضا و پایداری بودن آن: در دهه ۱۳۵۰ به علت افزایش درآمدهای نفتی و رشد سریع اعتبارات جاری و عمرانی دولت، به همراه افزایش اعتبارات بانکی در مدتی محدود، تقاضای موثر به شدت افزایش یافت. از آنجا که ظرفیت اقتصاد کشور، توانایی پاسخگویی به این افزایش تقاضا را نداشت، عدم تعادل بین عرضه و تقاضا به شکل فزونی تقاضای کل موجب افزایش واردات گردید. البته به علت بالابودن درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت در دوره مذکور، فشار واردشده بر تراز پرداخت‌ها نامحسوس بود، اما همین امر (تامین فزونی تقاضا از طریق واردات) منجر به حرکت جامعه به سمت مصرف‌گرایی گردید. تغییر در الگوی مصرف و فزونی تقاضا نسبت به توان تولیدی کشور، با روندی پایدار تاکنون نیز ادامه داشته و یکی از دلایل اصلی پایداری تورم در اقتصاد شناخته می‌شود.

ب) بزرگ‌بودن اندازه دولت و اتکای فراوان آن به منابع بانکی: دولتی‌بودن ساختار اقتصاد کشور، به‌ویژه پس از انقلاب، موجب افزایش شدید در سطح تقاضای کل گردید. علاوه بر این، دولت، به ویژه از دهه ۱۳۶۰ به بعد، با کسری بودجه شدیدی مواجه بوده است. بروز پدیده جنگ و شرایط تحریم اقتصادی، از یک سو مخارج دولت را افزایش و از سوی

عدم‌پابندی بانک مرکزی به اهداف از قبل تعیین‌شده، بیشترین صدمه را به اعتبار بانک مرکزی وارد نموده است.